

فضای منظر؛ پیوندگاه فرهنگ و طبیعت

شهرام پوردیهیمی * / ساسان سیدکلل **

تاریخ دریافت مقاله:

1390/11/18

تاریخ پذیرش مقاله:

1391/05/08

چکیده

منظر بر مفهومی بسیار وسیع دلالت دارد. این مفهوم بر اساس دیدگاه‌های گوناگون به موضوعات بسیار متنوعی از جمله فضا، محیط، منظره، مکان، زمین و مفاهیم بسیار دیگر پیوسته است. این مطالعه بحثی است نظری و تلاشی است برای وضوح بخشیدن به مفهوم منظر و ویژگی‌های بنیادین و وجوه گوناگون آن. ویژگی‌های فیزیکی فضا در منظر فقط یکی از ابعاد آن است. مفهوم فضا در منظر و در معماری منظر به ندرت مورد بررسی جامع قرار گرفته و همچنین ابهام در مورد تمایز مفهوم منظر از مفاهیمی چون محیط در بحث‌های نظری وجود دارد. مفهوم منظر با محیط تفاوت داشته و معانی تخصصی و خاص خود را دارد. فضا در ذات منظر وجود دارد و معماری منظر، رشته‌ای فضایی است. منظر با مکانها و ویژگی‌هایشان در هم تنیده و هویت مکانها را در روستاها، شهرها و مکانهای طبیعی بیان می‌کند. زمان مندی و گشودگی فضا در ذات منظر است و فضا در منظر از طریق حرکت، تغییر، رشد و تعامل با آن درک می‌شود. آمیختگی فرایندهای طبیعی با فضا در منظر، جنبه‌ای از زمانی بودن منظر است که وجه تمایز آن با مصنوعات فضایی چون ساختمان‌ها و آثار معماری است. محصوریت‌های فیزیکی و فضای امتدادی در منظر در مقایسه با نقشی که تراکمات نیروهای طبیعی و فرهنگی در شکل‌گیری مکان‌ها ایفا می‌کنند کم اهمیت‌تر است. تحت تأثیر دوگانه اندیشی‌های گوناگون چون فرهنگ و طبیعت، علم و هنر، منظر، تحت تنش‌های گوناگونی قرار داشته است. مطالعه حاضر تأکید دارد که امروزه منظر به عنوان مفهومی جامع، توان آن را دارد که میان این مفاهیم دوگانه میانجیگری نموده و بین آن‌ها آشتی برقرار کند و در این راه از دیدگاه‌های زیباشناسی اکولوژیک و طراحی اکولوژیک به عنوان پارادایم‌هایی که شیوه اندیشیدن و نگاهی متفاوت نسبت به رابطه فرهنگ و طبیعت ارائه می‌کنند، بهره جوید. منظر محصولی فرهنگی و بازنمود شیوه اندیشیدن انسان در مورد طبیعت و چگونگی رابطه او با محیط و سکونت و نیز پیوندگاه فرهنگ و طبیعت است.

واژگان کلیدی: منظر، معماری منظر، منظر و فضا، فرهنگ و طبیعت، دوگانه اندیشی و منظر.

* استاد معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی - دکترای معماری (دانشگاه لیدز انگلستان).

** دانشجوی دوره دکترای معماری - دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. seyedkalal@gmail.com.

مقدمه

پرسشهای تحقیق

منظر چیست و فضا در معماری منظر چه ویژگیهایی دارد؟

نقش منظر در ارتباط با پیوند فرهنگ و طبیعت چیست؟

منظر

منظر حیطة بسیار وسیعی از دنیای پیرامونی ما را در بر می گیرد. مجموعه ای از ویژگی های بخشی از سطح زمین که آن را از دیگر بخش ها متمایز می کند. بنابراین منظر ترکیبی است از موضوعاتی چون زمین های کشاورزی، ساختمان ها، تپه ها، جنگل ها، بیابان ها، آب ها و مجموعه های زیستی. منظر کاربری های زمین از جمله مسکن، حمل و نقل، کشاورزی و مناطق طبیعی را نیز دربر می گیرد و می تواند ترکیبی از آن کاربری ها باشد. منظر، فراتر از منظرهای چشم نواز¹ است؛ منظر مجموع همه قسمت های قابل رؤیت و لایه های زمان و فرهنگ است که یک مکان را تشکیل می دهند: منظر پالیمستی² است طبیعی و فرهنگی. (Steiner 2000:4)

منظر محصولی اجتماعی است. نتیجه دگرگون سازی جمعی انسان از طبیعت است. (Cosgrove 1998:14) با ریشه یابی واژه منظر، نقش پیوند دهنده مردم و مکان ها آشکار می شود.

کلمه منظر، که به دانمارکی landskab، به آلمانی landchaft، به هلندی landschap و به انگلیسی قدیم landsape است، ترکیبی از دو پاره است: زمین land هم به معنی مکان وهم مردمی است که در آن زندگی می کنند و Skabe و schappen به معنی «شکل دادن» است. پسوند های skab و schaft مانند ship در انگلیسی به معنی همراهی و شراکت اند. (Spirn 1998:126)

در زبان فارسی «منظر» را معادل landscape نهاده اند که مناسب این مفهوم نیست. منظر در فارسی مترادف چشم انداز است و در عربی اسم مکان «نظر» و نظر نیز به معنای نگاه کردن است که فقط بر ویژگی بصری این مفهوم تأکید دارد و نارساست. به این معنی که بر هیچ یک از ویژگی های فرهنگی، طبیعی و اجتماعی آن دلالت ندارد و تداعی کننده هیچیک از آن ها نیست. واژه منظر در زبان فارسی نزد نام تخصصان واژه ای مبهم است و تداعی کننده منظره و محوطه سازی، معهذاً به سبب رواج این واژه در حیطة حرفه ای، در این مطالعه هم این واژه به جای مفهوم landscape استفاده شده است.

معماری منظر

قرن نوزدهم نقطه عطفی در رشته معماری منظر است. هنر و علم معماری منظر تاریخی به درازای تاریخ معماری دارد، اما اولین بار در پایان قرن نوزدهم فردریک لالمستد³ و کالورت واکس⁴ خود را معماران منظر نامیدند و از آن پس این نام برای معماری منظر فراگیر شد. (Turner 1996:144)⁵

معماری منظر رشته ای است در خدمت ادراک و شکل دهی به منظر. حرفه ای است در کاربرنامه ریزی سایت و طراحی و مدیریت آن به منظور ارتقای کیفیت منظر. سرلوحه اهداف این حرفه خلق نظم و هارمونی در رابطه انسان ومحیط است. این رابطه در ویژگی های اکولوژیک و کاربردی و زیباشناسانه مکان هایی بروز می یابد که در فرایند طراحی خلق می شوند؛ رابطه ای که برای تسهیل فعالیت های انسان و ارتقای تجربه و درک او از منظر ضروری است. (Murphy 2005:2)

جفری و سوزان جلیکو در ابتدای مقدمه کتاب منظر انسان⁶ به اهمیت طراحی منظر این گونه اشاره می کنند: جهان پیش به سوی زمانی می رود که طراحی منظر جامع ترین هنرها شناخته شود. سه دلیل اصلی برای

از دیدگاه اسحاق زونولد¹⁶، منظر مجموعه‌ای از سیستم‌های ارتباط است که با هم بخش متمایز یا شاخصی از سطح سیاره زمین را شکل می‌دهند. این بخش از زمین با کنش متقابل نیروهای حیاتی و غیرحیاتی¹⁷ و همچنین کنش‌های انسان شکل می‌گیرد. در بطن این تعریف، منظر به سه شیوه تعبیر و تعریف می‌شود:

(1) منظر ادراک حسی¹⁸ و (2) منظر الگو¹⁹ و (3) منظر به مثابه یک اکو(سیستم).²⁰

منظر ادراک حسی بر جنبه بیرونی و سیماشناسانه (تصویری) منظر دلالت دارد؛ آن‌چنان که انسان در حرکت در آن با حواس ادراک می‌کند (به‌ویژه بعد از رنسانس). این منظر از جنبه زیباشناسی برای هنرمندان و نیز در ارزش‌یابی زمین برای گردشگری و تفرج از جنبه اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند و متداول‌ترین مفهوم در ادبیات رایج است. منظر حسی را همه حواس انسان درک می‌کنند. ادراکات حسی و بوی بهار و صدای رعد و آواز پرندگان نمونه‌هایی از این ادراک‌اند.

مفهوم منظر الگو از مفاهیم رایج در علوم مربوط به منظر است؛ علمی مانند ژئومورفولوژی و علم خاک و علم گیاهی. این مفهوم به شکل زمین و حیطه‌های خاک و واحدهای پوشش گیاهی و مانند آن اشاره دارد که با الگوهای تکرار شونده قابل تشخیص‌اند. در این عرصه رابطه مجموعه عناصر منظر را، که افقی سازمان یافته‌اند، مطالعه می‌کنند. این مفهوم در مشاهده منظرها از بالا (عکس هوایی و تصاویر ماهواره‌ای) و در نقشه‌سازی اهمیت دارد و در مکاتب خاص اکولوژی منظر که جانورشناسان در آن فعالیت دارند، جایگاه ویژه‌ای کسب کرده است.

منظر به مثابه اکوسیستم مفهوم جامع منظر است که در آن دو مفهوم قبلی یکی می‌شوند و سیمای هر سیستم را

این ادعا وجود دارد: الف) نظم و تعادل ظریف طبیعت موجود در درون بیوسفر یا غشا محافظ سیاره زمین را بشمارد مختل کرده است و گویا فقط تلاش‌های خود او می‌تواند این نظم را دوباره برقرار کند و حیات را تداوم بخشد. ب) این تلاش‌ها نخست خلق اکوسیستم‌هایی را می‌طلبد که با بازگشت انسان به حالت جانوری در بین دیگر جانداران و دوام وجود او را تضمین کند. ج) تقدیر بشر این است که از وضعیت جانوری ارتقا یابد، او محیطی برگرد خود خلق می‌کند که حاصل فرافکندن ایده‌های انتزاعی‌اش بر طبیعت است. اولی نیازی غریزی را در انسان بیولوژیک برانگیخت و منجر به «انقلاب سبز» شد دومی برنامه‌ریزی اکولوژیک توسط متخصصین را موجب شد و سومی ارتقای هنر منظر در مقیاسی تصور ناپذیر و تاریخی را رقم زد. (Jellicoe&Jellicoe 1987:7)

دیدگاه‌های منظر و انواع آن

سایمون سوافیلد⁷ تمایز سه نوع منظر را مطرح می‌کند: منظر ادراک عقلی⁸ (تصورات ذهنی از زمین)، منظر ادراک حسی⁹ (پدیده‌های تعریف شده از طریق چشم) و منظر کل‌نگر (درک ترکیبی)¹⁰. منظر کل‌نگر ابعاد گوناگونی از وجود انسان را در نظر دارد: ذهن، چشم، تخیل، بدن، و دست (عمل). (Swaffield 2005:8) منظرهای ذهن بر انتزاع ذهنی، منظرهای چشم بر ادراک حسی، منظرهای تخیل بر طریقی که منظرهای تخیل اجتماعی درک ما را شکل می‌دهند، منظرهای جسم بر همه راه‌های ادراک و منظر دست بر بیان عملی و واقعی و تجربه و اکتشاف منظر متمرکزند. (Swaffield 2005)

مخزومی و پانجتنی¹¹ گفته‌اند که منظر را می‌توان از چهار دیدگاه بررسی کرد: منظر به مثابه منظره¹² و به مثابه مکانی خاص¹³ و به مثابه بیانی از فرهنگ¹⁴ و به مثابه موجودیتی کل‌نگر.¹⁵ (Makhzoumi&Pungetti 1999: 4)

بیان می‌کنند. این مفهوم موضوع اصلی دانش منظر از دیدگاه سیستم‌هاست. (Zonneveld 1995:4)

منظر در معماری

منظر مکانی است برای همزیستی انسان‌ها با هم (در اجتماع)، با طبیعت و موجودات دیگر. این همزیستی را تعامل فرهنگ و طبیعت شکل می‌دهد. نگاهی جامع به منظر هیچ یک از فرهنگ یا طبیعت را در تقدم بر دیگری قرار نمی‌دهد. از طریق سه‌گانه در هم تنیده‌ای از ادراکات حسی و تصورات ذهنی و تجربه زیسته (ادراک ترکیبی)، انسان با منظر، به‌عنوان موجودیتی فضایی، تعامل می‌کند و الگوها و شیوه‌هایی از زیستن را فرا می‌گیرد و در عین حال شیوه‌هایی برای زیستن در منظر پدید می‌آورد. منظر هم ساخته می‌شود و هم سازنده است. فرهنگ مجموعه‌ای از الگوها و باورها و ارزش‌های (مادی و معنوی، آشکار و ضمنی) مشترک زیستن گروه‌های اجتماعی است. این الگوها تاریخی/ زمانی و جغرافیایی/ مکانی‌اند. طبیعت نیز بستر مشترک زیستن همه مخلوقات است و البته به سبب تأثیرات فرهنگ بر آن، بکر نیست. اثرات زندگی انسان و مداخلات او در طبیعت (که باز نمود فرهنگ و اکولوژی انسان است) بخشی جدایی‌ناپذیر از طبیعت شده است.

فضا، منظر و محیط

می‌توان فضا را در معماری منظر بخشی از زمین دانست که انسان‌ها برای مقاصد و اهداف خاص محصور و تعریف کرده‌اند؛ یا ابزار و مفهومی برای معماری منظر؛ یا مکانی برای فعالیت در فضای باز²¹ است. سازماندهی فضای فیزیکی در منظر فرایندی از تغییر و تحولات در صفحات زمین و صفحات عمودی (دیوارها) و آسمان است. (Dee 2001:33)

کیفیت فضایی باغ‌های تصویرگرایانه²² و رومانیتیک الهام‌بخش شکل‌گیری مفهوم فضا در ادبیات معماری بوده

است (Collins 1965:285)، اما ظهور مفهوم فضا در ادبیات معماری منظر و تأکید بر آن محصول دوران مدرن و قرن بیستم بود. فضا یکی از عواملی است که بعد از دوره مدرن، توجه معماران منظر به آن به گسترش حیطه اثرگذاری این حرفه کمک کرد. برای گریز از یکسان‌پنداری این مفهوم با باغ‌سازی و باغبانی و کشت گیاهان و همچنین گریز از ارتباط ساده انگارانه آن با ترکیب‌بندی یا سازماندهی چشم‌اندازها، طراحی منظر دو ویژگی برجسته معماری مدرن را در دوران بعد از جنگ جهانی شیوه انعکاس خود قرار داده است: فضا و ساختار. (Somol 2001:128)

پیتر واکر²³ و ملانیسمو به نقش فضا در معماری منظر مدرن اشاره می‌کنند و ماجرای ظهور منظر مدرن را اینگونه خلاصه می‌کنند: ظهور باغ‌های مدرن در دهه‌های 1910 و 1920 در اروپا به‌ویژه در پاریس و اطراف آن روی داد. اما در حیطه‌ای وسیع‌تر از معماری منظر، طراحی محیط در وسعتی کلان‌تر از لحاظ مقیاس و هدف قرار گرفت، اثر جنبش مدرن بر معماری منظر تا دهه 1930 چشمگیر نبود. در معماری منظر اثر جنبش مدرن آرام‌تر و اغلب کمتر از دیگر هنرهای فضایی و بصری نمایان بود، ولی ژرفای کمتری نداشت. در معماری مدرن، فضای منظر میانجی متحدکننده‌ای بود که دوباره کشف می‌شد. مردم دیگر فقط نظاره‌گران منظر نبودند بلکه، با تعامل با فضا، بازیگران منظر مدرن می‌شدند. (Walker & Simo 1996:3)

گرت اکو²⁴ گفته است که تعریف معماری منظر مدرن بر دو موضوع اصلی متمرکز است: نخست رابطه منظر با معماری مدرن که پاسخی بود به مشکلات نوظهور اجتماعی و جستجو برای «کارکردگرایی و غنای فضایی» و دوم موضوعات سه‌گانه‌ای که اکو در همه هنرهای جنبش مدرن مشترک یافت: (1. فضا، 2. عناصر مادی 3. مردم. (Eckbo in Walker & Simo 1996:7)

از آنجا که منظر در تعریف بسیار وابسته به زمین و مکان خاص است، در بسیاری از موارد که ویژگی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی فضا همزمان مطرح می‌شود، به مفهوم مکان خاص دلالت دارد.

تعریفی جامع از منظر، به روایت بنسون و رو،³⁰ چنین است: منظر به مفهومی وسیع‌تر به معنای قطعه‌ای از زمین است که در طی زمان با (1) فرایندهای زمین‌شناسانه و بیولوژیک (2) فعالیت‌ها و اسکان بشر (3) تخیل انسان شکل می‌گیرد. (Benson & Roe 2000:3)

مفهوم فضا و منظر و محیط اغلب مترادف و در بسیاری اوقات به شکلی نادقیق به کار می‌روند. بنسون و رو به این موضوع مهم می‌پردازند که استفاده از محیط به جای منظر مفهوم دقیقی از منظر نیست. **منظر با محیط متفاوت است.** «محیط» به معنای جهان است به استثنای «خود» یا به معنای عناصر و فرایندهای فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی تشکیل‌دهنده سیاره زمین است. اما جوهر و ارزش آشتی‌دهنده مفهوم منظر در شیوه‌ای است که در آن عوامل و ارزش‌های طبیعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده و بر رابطه آن‌ها تأکید می‌شود. (Benson & Roe 2000:3)

سایمون بل³¹ نیز در تفاوت منظر و محیط بحث کرده و به این نتیجه رسیده است که «منظر» کارکرد و انعطافی دارد که درک آن، به مثابه یکی از واقعیت‌های زندگی روزمره، از «محیط» آسان‌تر است. بنابراین به سبب بسیاری از همین معانی ضمنی، اصلاح تعریف منظر ضروری است. محیط همه چیز را دربر می‌گیرد، پس منظر بخشی از محیط می‌شود که میدان کنش‌های حاضر ماست و می‌توانیم در لحظه حاضر با آن درگیر شویم و تعامل کنیم. (Bell 1999:66)

سخن از طراحی محیط سخن از فضا و حیطه‌های فضایی مختلفی از محیط است و به دنبال آن بحث به رشته‌هایی فضایی³² می‌کشد همچون معماری، معماری

منظر مدرن توجه خود را به فضایی بودن منظر و فراهم کردن فضایی مناسب برای اشکال مختلف فعالیت‌ها و رویدادها در زندگی اجتماعی شهری معطوف کرد.

واژه «فضا» کمتر به صراحت در ادبیات نظری رشته معماری منظر استفاده شده است. بسیاری اوقات، وقتی از منظر صحبت می‌کنیم، در واقع به موجودیتی فضایی نظر داریم. مثلاً در زبان انگلیسی منظر شهری²⁵ دلالت بر فضای باز شهری دارد و منظر طبیعی²⁶ با فضای طبیعت تعریف می‌شود. فضایی بودن در ذات منظر است.

در بسیاری موارد فضا در منظر به معنی فضای فیزیکی است. پتریک کاندن²⁷ دو نوع فضای اصلی را در معماری منظر شناسایی می‌کند: فضای کوبیست²⁸ و فضای حجمی²⁹. فضای کوبیست فضایی است که ابتدا با مکاشفات نقاشان کوبیست طرح شد. این فضا با قرار دادن احجام در فضا شکل می‌گیرد و در مقابل، فضای حجمی با محصور شدن با احجام شکل می‌گیرد. (Condon 1988:84)

البته منظر به معنای وسیع‌تری از فضای فیزیکی هم نظر دارد که می‌توان آن را از تعاریفی استخراج کرد که از منظر ارائه می‌شود. ظاهر این تعاریف متفاوت است ولی مفاهیم مشابه است. منظر به مثابه چشم‌انداز در تعریف مخزومی و پانجی همان منظر ادراک حسی است که سوفیلد و زونولد مطرح کرده‌اند. منظر به مثابه اکوسیستم (در تقسیم بندی زونولد) موجودیتی کل‌نگر است و منظر الگو منظری است که در نهایت با تعقل ادراک می‌شود.

در تعریفی که سوفیلد از انواع منظر می‌دهد، مفهوم منظر مترادف با فضا است. منظر ادراک حسی فضای بازی است که حواس ادراک می‌کنند. منظر ادراک عقلی فضای بازی است که با تعقل ادراک می‌شود. منظر کل‌نگر نیز مترادف با فضای زیست‌هاست؛ فضایی که از یگانگی ادراکات حسی و عقلی و تجربه مستقیم زیستن در فضای باز شکل می‌گیرد.

منظر، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری که با هم و در تعامل با هم در فرایند طراحی محیط شرکت می‌کنند. منظر در معماری منظر مترادف با موجودیتی فضایی به‌عنوان سکونتگاه انسان است؛ موجودیتی حاصل تعاملات انسان با محیط پیرامونی او، محیط طبیعی و اجتماعات انسانی، فرهنگ و طبیعت. منظرها فقط بستری فیزیکی چون باغ‌ها و پارک‌ها نیستند بلکه هم بازنمود ارزش‌ها و نمادها و تجارب انسان از مکان‌ها هستند و هم حاصل تأثیرات آن‌ها، منظرها بسترهای فرهنگی و اجتماعی برای زیستن انسان‌اند. بنابراین، اگر چه فضای منظر بستری مادی است و از طریق فضای امتدادی³³ و فیزیکی و کمیات ادراک می‌شود، حاصل روابط و تعاملات (فرهنگ و طبیعت) است و ناگزیر نسبی³⁴ است. منظر محصول تعامل کیفیات و فضای شدت‌هاست³⁵ و از فزونی کیفیت‌ها، نیروها، فرایندها و جریان‌ات مادی و ذهنی‌ای اشباع شده است که در یکدیگر نفوذ می‌کنند و بایکدیگر ترکیب می‌شوند و تعامل می‌کنند.

اولین ویژگی بنیادین منظر، به مثابه فضای شدت‌ها، گشودگی³⁶ است. در منظر، نقش محصوریت‌های فیزیکی و مرزها در شکل‌گیری فضا، جوهره اصلی نیست، بلکه پیوستگی فضایی - زمانی تراکم‌ها و شدت‌های ماده و انرژی و کنش‌ها و جریان‌ات در محیط مادی است که جوهر اصلی گشودگی منظر را می‌سازد. دومین ویژگی شاخص منظر، به مثابه فضای شدت‌ها، پویایی آن و درهم تنیدگی آن با زمان است. برخلاف فضای امتدادی که ایستاست، منظر تحت تأثیر کنش‌ها و حرکات و تغییرات و فرایندهای طبیعی و فرهنگی‌ای شکل می‌گیرد که تابع زمان‌اند.

تفکر دوگانه در معماری منظر

از دوران مدرن تاکنون، شیوه اندیشیدن به فضا در معماری منظر، همانند معماری، همواره تحت تأثیر دوگانه

انگاری‌های مختلف بوده است. جدایی بین عین و ذهن، خودی و بیگانه، و فرد و اجتماع از پیش از تولد ایده منظر وجود داشته است. (Cosgrove 1998:25) جان وایلی³⁷ دوگانگی‌های اندیشه متفکران مختلف در مورد منظر، به‌ویژه جغرافیدانان فرهنگی را، «تنش‌های³⁸ مفهوم منظر» می‌داند.

این تنش‌ها عبارت‌اند از: تنش اول: نزدیکی/فاصله، تنش دوم: مشاهده/سکونت، تنش سوم: چشم/زمین، تنش چهارم: فرهنگ/طبیعت.

تنش اول: نزدیکی/فاصله. از دیدگاهی پدیدارشناسانه، مشاهده‌گر و مشاهده‌شونده، خود و منظر، اساساً با بودن در جهان، که بر عقلانیت و هدفمندی تقدم دارد و پیش‌زمینه آن است، درهم‌تنیده‌اند. از دیدگاه مقابل، ایده منظر اساساً با جدایی ناظر و مشاهده همراه است. منظرها انسان را در فاصله‌ای قرار می‌دهند و او را ناظری منفک و جهان را منظره‌ای می‌کنند که از دور مشاهده می‌شود. این بیان هنری در منظر که از نوعی ادراک بصری ریشه گرفته که مختص جوامع اروپایی و غربی است، شامل شیوه خاصی از دیدن و بازنمود جهان از موضعی برتر و منفک و حتی هدفمند است. منظر، بنابراین دیدگاه، متعلق به علم و عقلانیت و مدرنیته است؛ دورانی که دانستن را با دیدن، ذهنی بودن را با متوجه بودن، فاصله را با تسلط و ذهن را با تأمل بی‌احساس همراه می‌کند.

تنش دوم: مشاهده/سکونت. آیا منظر چشم‌اندازی است که بر آن نظر می‌افکنیم یا جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم؟ آیا منظر همه چیز است که در اطراف ماست یا فقط آن چیزی است که در مقابل ماست؟ آیا ما منظر را مشاهده می‌کنیم یا در آن سکونت می‌کنیم؟ این پرسش‌ها موضوع اصلی تنش دوم است.

تنش سوم: چشم/زمین. منظرها جهان واقعی‌اند. آن‌ها جسمانی و کالبدی و ملموس‌اند و نه ساخته‌های تخیل.

و مارا در برمی گیرد. دیدگاه دیگر به طبیعتی نظر دارد که قابل اندازه گیری و کمی شدن است؛ همان که با واژه «محیط» به آن می پردازد؛ پیرامون مادی انسان، شامل محیط طبیعی و محیط ساخته، با همه خواص قابل اندازه گیری آن. با این حال فقط ساخت های فرهنگی طبیعت قابل فهم اند. (Hagan2001:17)

منظر طبیعی حاصل فرایند های گوناگونی از نیروهای حیات و ماده و انرژی است. فضای پیوسته ای پیرامون کره زمین منظرهای طبیعی و منظرهای ساخته انسان را وحدت می بخشد. منظر طبیعی الهام بخش انسان در شکل دادن به باغ ها و منظرهاست؛ جایی است که طبیعت وارد فرهنگ انسان می شود. این گونه منظر در قالب باز نمود طبیعت در فرهنگ مطرح می شود.

منظر به مثابه باز نمود فرهنگ

منظرها نتیجه گریزناپذیر تعبیرات فرهنگی و حاصل تجمع رسوب باز نموده های فرهنگ در طی زمان اند. از این طریق، می توان آن ها از «طبیعت وحشی» در ساخته شدن و لایه لایه شدن، متمایز ساخت ... معماری منظر به مهار و تغییر و تحول فیزیکی زمین می پردازد تا ایده های انسانی درباره طبیعت و سکونت را بیان و منعکس کند. معماری منظر هنر بیانگر و فیگوراتیوی است که مفهومی از جهت گیری وجودی را از طریق ساختمان محیطی نمادین و مصنوع برای فرهنگ فراهم می کند. (Corner1992:144)

در دوران معاصر، توجه به منظر، هم به عنوان محیط و فضای فیزیکی زندگی انسان که مملو از نشانه ها و نمادها و ارزش های فرهنگی است و هم قلمروی از کنش ها و ارزش های معنادار فرهنگی، بیش از پیش رواج پیدا کرده است. این توجه نقش منظر را در سکونت انسان به شیوه ای صلح آمیز در تعامل با طبیعت برجسته می کند.

منظر هم پدیدار است و هم ادراک پدیدار. منظر را باید از دریچه ذهنی چشم ناظر دید. منظر در حیطه های ادراک و تخیل شکل می گیرد. منظر فقط آنچه می بینیم، نیست، بلکه شیوه دیدن پدیده هاست. برتری چشم بر زمین مترادف با برتری ادراک ذهنی بر موجودیتی عینی است.

تنش چهارم: فرهنگ/ طبیعت. فرایندهای طبیعی از یک سو و کنش ها و ارزش های فرهنگی انسان از سوی دیگر به مثابه حیطه هایی شاخص و مستقل سخت مسئله برانگیزند. (Wylie 2007) این تنش اخیر نوعی دوگانه اندیشی نامطلوب است و نیازمند بازنگری در مفهوم طبیعت و فرهنگ و رابطه این دو. (Moore 2011:468)

فضای منظر حاصل تنش های مفاهیم دوگانه منظر است. ریشه این دوگانگی در دوگانگی مفاهیم «خود» و «دیگری» است. اینکه انسان را مقدم بر طبیعت قرار دهیم و موجودات دیگر و طبیعت را ملزوماتی برای استفاده ابزاری و برآوردن نیازهای او بدانیم دیدگاهی انسان محور است. درباره آثار مخرب آن بسیار گفته اند. در مقابل، دیدگاهی دیگر که تلاش دارد طبیعت را در حد سیستم های طبیعی نزول دهد، معانی وجودی و هستی شناسانه پدیده های طبیعی را در ارتباط با زندگی انسان کم رنگ می کند و به بیگانه سازی انسان و طبیعت یاری می رساند. انسان به مثابه طبیعت دوم در فرایندهای طبیعی شرکت می کند و می تواند از طریق کنش های خلاق و پویا و به ویژه با خلق منظرهایی که تجلی این آشتی اند، در ایجاد تعادل جریانات و فرایندهای طبیعی و آشتی طبیعت و فرهنگ بکوشد.

منظر: پیوندگاه طبیعت و فرهنگ

طبیعت دو چیز است، واقعیتی مادی و ساختی فرهنگی³⁹. هردو مفهوم توأماً هستند، اما این دو هرگز یکی نیستند. طبیعت، به مثابه واقعیتی مادی، بیرون ماست

منظر به مثابه هویت طبیعی و فرهنگی

مطرح شدن منظرها در ارتباط با فرهنگ، حاصل حضور آنان در محیط خصوصی و اجتماعی انسان و در شکل‌گیری ریشه‌هاست. تمدن‌ها و حکومت‌ها ظهور و سقوط می‌کنند و سنت‌ها و ارزش‌ها و سیاست‌ها تغییر می‌کند، اما محیط طبیعی هر شهر چارچوب دیرپایی است که جامعه انسانی درون آن برپا می‌شود. محیط طبیعی شهر و شکل شهر باهم تاریخچه تعامل بین فرایندهای طبیعی و کنش‌های انسانی را در طی زمان می‌سازند. آن‌ها با هم به هویت یکنای هر شهر شکل می‌دهند. (Spirn 1984:12)

هویت، موضوعی بنیادین در تعریف فرهنگ است. منظر، بیانی از هویت و بستر منطقه‌ای مکان است. تاریخ طبیعی (از جمله تغییرات زمین‌شناسانه و تکاملی و...) و تاریخ فرهنگی (تحولات اجتماعی و سیاسی و...) همزمان در شکل کالبدی و کارکرد منظرها، به‌عنوان بخشی از هویت مکان‌ها و روح مکان، متجلی می‌شوند. در پی برخی تأثیرات جهانی شدن و بی‌مکان‌شدن مکان‌ها و زوال هویت آن‌ها، توجه به این موضوع در طراحی منظرها می‌تواند اثرات مثبتی در احیای هویت مکان‌ها داشته باشد.

منظر به مثابه ابزاری برای تغییر فرهنگی

جیمز کرنر در کتاب منظر در حال التیام⁴⁰ می‌گوید: باید استفاده از منظر را به مثابه رسانه و ابزاری استراتژیک در تغییر فرهنگی به رسمیت شناخت؛ شکلی از مقاومت در برابر یک‌رنگ‌سازی جهانی محیط بابازگشت به خاص بودن سایت؛ استفاده از منظر برای توجه دادن به بحث‌های محیطی؛ استفاده از منظر به مثابه رسانه‌ای برای گسترش پاسخ‌های ابتکاری به اثرات ناصنعتی شدن⁴¹؛ استفاده از تفکر منظر به مثابه راهی در شکل دادن به زیرساخت‌های کلان شهر مدرن. (Corner 1999)

منظر به مثابه اکوسیستم و منظر به مثابه اثر هنری

در نیمه دوم قرن بیستم، انسان نیک دریافت که وجود او وابسته به شبکه پیچیده‌ای از فرایندهای طبیعی است. (Benson & Roe 2000:17) از این رو، توجه به فرایندهای طبیعی در طراحی فضاهای باز و نگرش به فضا به مثابه زیستگاه یا اکوسیستم اهمیت پیدا کرد. هر گونه طراحی که اثرات مخرب محیطی را با ایجاد ارتباطی میان طراحی و فرایندهای طبیعی به حداقل برساند، طراحی اکولوژیک⁴² است. طراحی اکولوژیک نوعی طراحی اتحادگرا و از نظر اکولوژیک مسئولانه است و تلاش می‌کند میان کارهای‌های پراکنده در معماری سبز و کشاورزی پایدار و مهندسی اکولوژیک و دیگر زمینه‌ها اتحاد برقرار کند. (Ryn & Cowan 1996: x) معماری طبیعت بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر از معماری مصنوع بشر است. اکولوژی، معماری طبیعت است. (Dawson 1990:138) بنابراین منظر به مثابه فضایی که با حضور طبیعت و کارکردهای فرایندهای آن تعریف می‌شود یا تحت تأثیر آن است، همواره در حال تغییر و دگرگونی است؛ فضایی که با زمان تعریف می‌شود. از طرفی فضای منظر، از باغ‌های دوران‌های گذشته گرفته تا منظر معاصر، به مثابه فضای مصنوع انسان، اثری است هنری، بازنمود ایده‌ها و تخیلات انسان. این فضای هنری با تولید فضاها و تصاویر بی‌حرکت و بی‌تغییر در جستجوی منجمد کردن زمان است. از هنگام ظهور معماری منظر مدرن، دو مدل مقتدر در بطن آن شکل گرفته است. اولی دیدگاه طراحی اکولوژیک و محیطی است. این دیدگاه تحت تأثیر نوشته‌ها و تعلیمات معلمانی چون ایان مک‌هارگ⁴³ بوده و هست. نقش اصلی این مدل در فرایند طراحی ایجاد ساختاری برای مرحله پیش از ایده‌پردازی است؛ به روشی دفاع‌پذیرتر و علمی‌تر. دومین مدل معماری منظر به مثابه هنر بود. نظریات و کارهای معلمانی چون پیتر

تاریخ‌گرایی جانشین تاریخ و سنت می‌شود. منطقه‌گرایی نوستالژیک در مقابل مدرنیته معاصر قرار می‌گیرد. جنبش بنیادگرایی طبیعت جای هنر و بیان فرهنگی را می‌گیرد و تعصب غیرنقاد اردوگاه‌های مختلف اندیشه جانشین گفتمان نقاد می‌شود. (Corner 1990:75) هدف اصلی از طراحی منظر خلق زیستگاه‌هایی برای انسان امروز است: ساختن منظر سکونت. آشتی اکولوژی علمی و مفهوم فرهنگی طبیعت و آشتی کارکرد و شکل زیباشناسانه هنگامی محقق می‌شود که به طراحی منظر برای عموم مردم و فرهنگ عامه توجه کنیم. طراحی اکولوژیک نیازمند ترجمه‌الگوهای اکولوژیک به زبان فرهنگی است. ارج‌گذاری بر فرایندهای طبیعی تابع آگاهی بیشتر از آنهاست. از این رو می‌توان آن را با ارج‌گذاری بر آثار هنری مقایسه کرد؛ فرایندی که با دانش و سطح ادراک متناسب است. (Hough 1990:26) یکی از اهدافی که کار متفرقه در معماری منظر در دو دهه گذشته بر آن تمرکز داشته این است که ارتباطات متقابل و آشتی‌جویانه وزیباشناسانه و فیزیکی بین انسان و دنیای طبیعی را ملموس کند و به شکل‌گیری تجربه محیط و نزدیکی بین انسان‌ها و طبیعت بینجامد. این هدف محیط‌گرایی اکولوژیک را وارد فرایند طراحی کرد؛ فرایندی شامل برنامه‌ریزی و تعبیر و تحلیل سایت و دستور زبان فرم و تکنیک‌های ساخت. این موضوع باور به فرم مدرن را به چالش می‌کشد: فرم یا فضایی بسته و مجرد که ناظر را انتزاعی و متفکر آن را تجربه می‌کند. این چالش با تمرکز بر ساختن تجربه‌های زیباشناسانه‌ای میسر می‌شود که به زمینه فرهنگی و اکولوژیک خود پیوسته و با آن آمیخته‌اند. اهمیت این شیوه کارمیانجی‌گری میان دو بحث پراکنده است، هر کدام با زمان و اصول خود؛ نوعی دیالکتیک بین علم و هنر و بین محیط‌گرایی اکولوژیک و طراحی معماری منظر.

واکر⁴⁴ بر بسط این دیدگاه در دوران مدرن تأثیر بسیار داشته است. واکر و شاگردان او مدعی بودند که فرایند طراحی گاه به تحلیل‌های اکولوژیک و اجتماعی و رفتاری بسیار وابسته است؛ به طوری که گاه هنر مرئی ساختن و زیبا ساختن و به یادماندنی ساختن، تابع کارکرد می‌شود و نقش فرعی پیدامی‌کند. نقش اصلی این مدل در مرحله ایده‌پردازی و بسط طرح نمایان می‌شود. از مهم‌ترین آموزه‌های آن به‌کارگیری مجموعه عناصر و تاکتیک‌های هنر معاصر در ساختن منظرهاست. بین این دو مدل شکاف و تقابلی وجود داشته است. آن‌ها آگاه از یکدیگر بودند اما در دو قلمرو جدا از هم و بر اساس سیستم‌های ارزشی و مجموعه‌ای از عناصر متفاوت عمل می‌کردند. (Meyer 2000:189)

مکهارگ در 1960 دیدگاه نوی از برنامه‌ریزی را عرضه کرد که طرفداران مدل هنری طراحی منظر «تعیین‌گرایی اکولوژیک» نامیدند. (Walker & Simo 1994 : 275) در روش او می‌توان اطلاعات محیطی را وارد پروسه برنامه‌ریزی کرد. (McHarg 1992) مدل دوم بر فرم فضا و فیزیکی بودن آن از جنبه زیباشناسانه تأکید داشت؛ به‌ویژه فضای بصری منظر که هماهنگ با هنر مدرن بود. تقابل این دو مدل یا دیدگاه همچنین بازگوکننده تقابل مدل هنری و مدل علمی بود. این مدل‌ها می‌توانند قطب‌های نوعی تفکر دوگانه باشند: مکتب افراطی تکنولوژیک با حل اثبات‌گرایانه مسائل بر اساس مکانیک و مدیریت اکولوژیکی از یک طرف و از طرف دیگر مکتب به همان اندازه افراطی زیباشناسی براساس برداشت‌های شخصی از دکتري تاریخ‌گرا و فرمالیست که ارتباط مبهمی بین هنر و زیباشناسی و اکولوژی و تاریخ برقرار می‌کند... در تئوری معاصر، اکولوژی تکنولوژیک جانشین سکونت شاعرانه می‌شود. دیدگاه افراطی زیباشناسانه قدرت محتوای نمادین را از بین می‌برد و

برای طراح، یکی از پرسش‌هایی که جنبش محیط‌گرا طرح می‌کرد نبود ارتباط بین آنالیز سایت و بیان طراحی بود؛ به روایتی رابطه بین ارزش‌های محیطی و تولید فرم. پرسش بنیادین این است که بعد از شناسایی باارزش‌ترین یا آسیب‌پذیرترین مکان‌ها و اختصاص دادن آن‌ها به «حیطه‌های غیر قابل ساخت» و قطعی کردن مناسب‌ترین موقعیت اکولوژیک برای ساختمان یا ساختن منظری مصنوعی، چگونه باید فرم‌ها و فضاها را شکل داد؟ در دهه 1980 معمار منظر با پرسش دومی روبرو شد: چگونه می‌توان به فرایندهای پویا و سیستم‌های نوسان‌کننده فرم داد، اما به سراغ کدهای طراحی مدرن نرفت که اشیای ایستا و محصور و ایده‌آل در هنر و معماری را ترجیح می‌دادند و اغلب منظر را در سطح چشم‌اندازی بصری پایین می‌آورد. (Meyer2000:189)

امروزه در جوامع در حال توسعه، بیش از پیش نیاز به آشتی میان مدل‌های زیبایی‌شناسانه (هنری) طراحی منظر و مدل‌های اکولوژیک (علمی) آن در فرایند طراحی محیط احساس می‌شود. برای دستیابی به این آشتی، می‌توان برای ایجاد مدل سومی از منظر تلاش کرد که زیباشناسی اکولوژیک را با اکولوژی انسان،⁴⁵ که بخشی تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ است، در آمیزد. آشتی فرهنگ با طبیعت مستلزم آگاه‌سازی جمعی و بالا بردن سطح فرهنگ طراحی منظر از طریق کار بین رشته‌ای در حیطه‌های علمی و هنری و نیز نظری و عملی است.

نتیجه

- منظر بر مفهومی بسیار وسیع دلالت دارد. این مفهوم براساس دیدگاه‌های گوناگون به موضوعات بسیار متنوعی از جمله فضا، محیط، منظره، مکان، زمین و بسیاری مفاهیم دیگر پیوسته است.

- منظر مفهومی فضایی است ولی ویژگی‌های فیزیکی فضا فقط یکی از ابعاد آن است. فضای منظر از کنش‌ها و تعاملات موجودات زنده (انسان و غیر انسان) با محیط مادی (طبیعی و مصنوعی) و تعاملات فرهنگ انسانی و طبیعت در مکانی خاص در فضا و در زمان شکل می‌گیرد و از طریق حواس، تعقل و تجربه زیسته در منظر ادراک می‌شود.

- منظر ارتباطی ناگسستگی با مکان در مقیاس‌های مختلف دارد. منظر حیات خانه‌ستنی در یزد و منظر کوهستان البرز نمونه‌هایی از منظر در مقیاس‌های محلی و منطقه‌ای‌اند. منظر دور و نزدیک همیشه در یکدیگر نفوذ می‌کنند. خاصیت زمینی بودن منظر رابطه آن‌را با مکان عمیق‌تر می‌کند. فضای منظر وابسته به مکان است.

- منظر ارتباطی ناگسستگی با هویت مکان‌ها دارد و جلوه‌گر طبیعت بومی و شیوه‌های زندگی بومی در مکان‌هاست. توسعه شهرها در بسیاری از نقاط جهان به ویرانی منظر و طبیعت بومی مکان‌ها منجر شده و منظرهای بی‌مکان و بی‌زمان را جانشین آن‌ها کرده است.

- منظر حاصل فرایندهای طبیعی و تعاملات کنش‌های موجودات و محیط در زمان است. منظر در حرکت، تغییر و رشد تجربه می‌شود. فضای منظر وابسته به زمان است.

- اندیشه دوگانه به اشکال مختلف بر مفهوم منظر و چگونگی اندیشیدن به منظر اثر می‌گذارد. منظر تجربی و منظر تصویری، تعبیر انسانی از طبیعت و طبیعت وحشی، فرایندهای طبیعت و بیان هنری طبیعت، هنر منظر و علم منظر، منظر آزاد فضاها و خودجوش و منظر کنترل شده فضایی همواره در تقابل‌اند. دیدگاهی که انسان را در مرکز جهان و طبیعت قرار می‌دهد و طبیعت را خارج از فرهنگ انسان تعریف می‌کند در برابر دیدگاهی که انسان

8. conceived
9. perceived
10. holistic
11. JalaMakhzoumi & Gloria Pungetti
12. as scenery
13. as specific place
14. as expression of culture
15. as a holistic entity
16. Isaac S. Zonneveld
17. Biotic and abiotic
18. The perception landscape
19. The landscape pattern
20. The Landscape as an Eco(system)
21. outdoor
22. Picturesque
23. پیتر واکر Peter Walker استاد معماری منظر در دوره کارشناسی ارشد هاروارد بین سال‌های 1958 و 1987 است.
24. Garrett Eckbo
25. Urban landscape
26. Natural landscape
27. پتریک کاندن Patrick Condon استاد معماری منظر دانشگاه بریتیش کلمبیا UBC در کانادا است.
28. Cubist Space
29. volumetric Space
30. جان بنسون John Benson (1947-2004) استاد برنامه‌ریزی و مدیریت منظر در مدرسه معماری، برنامه‌ریزی و منظر دانشگاه نیوکاسل بود. مگی رو Maggie Roe مدرس عالی‌رتبه و متخصص در برنامه‌ریزی پایدار منظر در دانشگاه نیوکاسل است.
31. سایمون بل استاد و مدیر دپارتمان معماری منظر در انستیتو کشاورزی و علوم محیطی در دانشگاه علوم حیات استونیا و نیز مدیر مشترک OPENspace مرکز تحقیق برای دسترسی فراگیر به محیط‌های فضای بیرونی در کالج هنر ادینبورو است.
32. Spatial disciplines
33. Extensive space
34. Relative space
35. فضای شدت‌ها Intensive space در متون فلسفی اشتدادی نیز نامیده شده است که در تقابل با فضای امتدادی مطرح می‌شود.
36. openness
37. جان وایلی John Wylie مدرس ارشد جغرافیای فرهنگی در دانشکده جغرافی، باستان‌شناسی و منابع زمین در دانشگاه اکستر است.
38. tensions
39. Cultural construct
40. Recovering Landscape

را خارج از طبیعت می‌داند در تقابل‌های مختلف طبیعت/فرهنگ و خود/دیگری تظاهر می‌یابد.

- این موضوع حائز اهمیت است که وجود انسان را بخشی از منظر طبیعی ببنداریم و نقش او را در هماهنگی با طبیعت تعریف کنیم. جدایی انسان از منظر طبیعی بیگانه‌سازی او از جهان پیرامون اوست.

- باید در تصاویر آرمانی و اتوپایی و چشم‌نوازی که همواره به مثابه واقعیات زیباشناسانه پذیرفته بوده‌اند تردید کرد. این دیدگاه‌های کهنه بر تصاویر و فضاهایی تأکید می‌کنند که با مکان‌ها ارتباط ندارند و در زمان رخ نمی‌دهند.

- منظرها نقش مهمی در برقراری ارتباط انسان و جوامع انسانی با طبیعت و تعمیق این رابطه دارند. امروزه بحران زیست‌محیطی و ضرورت توسعه پایدار توجه به فرایندهای طبیعی و ایجاد ارزش‌های زیباشناسانه تازه را می‌طلبد؛ ارزش‌هایی و رای‌مرزهای کارکرد گرایانه اکولوژی علمی که مسائل را در سطح کارکردهای مکانیکی طبیعت نزول می‌دهد. طراحی اکولوژیک پارادایم پسامدرنی است که مشخصه آن درک عمیق از رابطه انسان و طبیعت است.

پی‌نوشت

1. picturesque view
2. Palimpsest
3. Fredrick Law Olmsted
4. Calvert Vaux
5. المستد هفت سال بعد در نامه‌ای تردید خود را نسبت به مناسب بودن واژه‌های منظر و معماری و ترکیبشان برای این رشته مطرح می‌کند. تعریف معماری منظر می‌تواند بسیار مبهم باشد. حتی آن‌ها که در این حرفه فعالیت می‌کنند در مورد تفاوت بین معماری منظر و طراحی منظر دچار ابهام‌اند. واژه‌هایی چون برنامه‌ریزی منظر، مدیریت منظر، علم منظر و حتی واژه‌هایی از دوران قبل از انسجام این حرفه در دوران معاصر مانند باغسازی منظر می‌توانند ایجاد سردرگمی کنند. (Thompson 2005:2)
6. The Landscape of Man
7. Simon Swaffield

منابع

- Jencks, Charles. 1997. The Architecture of the Jumping Universe. Academy Editions
- Koh, Jusuck. An Ecological Aesthetic. Landscape Journal. 1988, Fall, V.7 no.2. p.177-191
- Makhzoumi, J. & Pungetti, G. 1999. Ecological Landscape Design and Planning: Mediterranean Context. E & FN Spon.
- McHarg, Ian L. 1992 (1962). Design with Nature. John Wiley & Sons, Inc.
- McHarg, Ian L. 1990. Nature is More Than a Garden. In Francis & Hester Jr. 1990.
- Meyer, Elizabeth. 1998. "The Expanded Field of Landscape architecture (1997)" in Theory of Landscape Architecture by Swaffield.
- Meyer, Elizabeth. 2000. The Post- Earth day Conundrum: Translating Environmental Values into Landscape Design. In Conan 2000.
- Moore, Kathryn. 2011. Nature Culture. In Mostafavi, Mohsen. & Doherty, Gareth. 2011. Ecological Urbanism. Harvard University- Graduate School of Design Press.
- Murphy, Michael D. 2005. Landscape Architecture Theory: An Evolving Body of Thought.
- Nassauer, Joan Iverson. 1995. Messy Ecosystems, Orderly Frames. Landscape Journal. Fall 1995-V.14-No.2
- Nassauer, Joan Iverson. 1997. Edited by. Placing Nature: Culture and Landscape Ecology. Island Press.
- Ryn, Sim Van der & Cowan, Stuart. 1996. Ecological Design. Island Press.
- Steiner, Fredrick. 2000. The Living Landscape: An Ecological Approach to Landscape Planning. McGraw-Hill Inc.
- Somol, R.E. 2001. All Systems GO! : The Terminal Nature of Contemporary urbanism. In Czerniak 2001.
- Spirn, Anne Whiston. 1984. The Granite Garden: Urban Nature and Human Design. Basic Books.
- Spirn, Anne Whiston. 1998. The Language of Landscape. 125-130. In Swaffield 2002.
- Swaffield, Simon. 2002. Edited by. Theory in Landscape Architecture: A Reader.
- Swaffield, Simon. 2005. Landscape as a Way of Knowing the World. In Harvey, Sheila et al 2005.
- Thompson, Ian H., 2000. Ecology, Community and Delight: Sources of Values in Landscape Architecture. E & FN Spon.
- Todd, John & Todd, Nancy Jack. 1994. From Eco-Cities to Living Machines: Principles of Ecological Design. North Atlantic Books.
- Trieb, Marc. 1999. In Recovering Landscape.
- Trieb, Marc. 2008. Edited by. Representing Landscape Architecture. Taylor & Francis.
- Turner, Tom. 1996. City as Landscape. A post-modern view of design and planning. Spon Press.
- Turner, Tom. 2005. Garden History : Philosophy and Design, 2000 BC--2000 AD Taylor & Francis Routledge
- Walker, Peter, and Melanie Simo. 1994. Invisible Gardens: In Search of Modernism in the American Landscape.
- Whyte, Ian D. 2002. Landscape and History- Since 1500. Reaktion Books.
- Wylie, John. 2007. Landscape. Routledge.
- Zonneveld, Isaac S. 1995. Land Ecology: An Introduction to Landscape Ecology. SPB Academic Publishing.
41. ناصنعتی شدن De-industrialization فرایند تغییر اجتماعی و اقتصادی ناشی از حذف یا تقلیل فعالیت صنعتی در یک کشور یا منطقه است.
42. اصول طراحی اکولوژیک پایدار حکم می کند که: دنیای زنده باید ماتریسی برای همه طراحی ها باشد - طراحی باید قوانین حیات را دنبال کرده و بر ضد آن نباشد - عدالت بیولوژیک در طراحی تعیین کننده است - طراحی باید ویژگی های زیست منطقه ای را منعکس کند - طرح ها باید بر اساس منابع انرژی های قابل بازیافت باشد - طراحی پایدار از طریق وحدت سیستم های زنده - طراحی همزمان با دنیای طبیعی تکامل پذیر باشد - ساختن و طراحی به ترمیم و بهبود سیاره زمین کمک کند - و طراحی باید اکولوژی مقدسی را دنبال کند. (Todd et al. 1994: xiv)
43. Ian McHarg
44. Peter Walker
45. Human ecology

- Bell, Simon. 1999. Landscape: Pattern, Perception and Process. E & FN Spon.
- Benson, John and Roe, Maggie, 2000. Edited By. Landscape and sustainability. Spon Press.
- Collins, Peter. 1965. Changing Ideals in Modern Architecture: 1750-1950. Faber and Faber.
- Condon, Patrick. 1988. Cubist Space, Volumetric Space. In Swaffield 2002.
- Corner, James. 1990. A discourse on Theory I: "Sounding the Depths"-Origins, Theory, and Representation. Landscape Journal. 1990, Fall, v.9, no.2, p.61-77.
- Corner, James. 1992. Representation and Landscape. In Swaffield 2002, p.144-165.
- Corner, James. 1998. Operational Eidetics: Forging New Landscapes. Harvard Design Magazine. Autumn 1998.
- Corner, James. 1999. Recovering Landscape: Essays in Contemporary Landscape Architecture. (Edited by) Princeton Architectural Press.
- Cosgrove, Denis E., 1998. Social Formation and Symbolic Landscape. The University of Wisconsin Press.
- Dee, Catherine, 2001. Form and Fabric in Landscape Architecture: A Visual Introduction. Spon Press.
- Dawson, Kerry J. 1990. Nature in the Urban Garden. In Francis and Hester Jr. 1990.
- Hagan, Susannah. 2001. Taking Shape: a new contract between architecture and nature. Architectural Press.
- Harvey, Sheila & Fieldhouse, Ken. 2005. Cultured Landscape: Designing the Environment in the 21st century. Routledge.
- Herrington, Susan, 2009. On Landscapes. Routledge.
- Hough, Michael, 1990. Out of Place. Yale University Press
- Jellicoe, Jeffrey, and Susan Jellicoe. 1975. The Landscape of Man: Shaping the Environment from Prehistory to the Present Day. 1987.